

# خانواده و نقش آن

## در روند تکاملی رشد کودک

نیازهای گوناگون کودک و چگونگی تأمین آن توسط خانواده، در روند سلامت روانی و رشد و تکامل جسمی و روحی کودک نقش تعیین‌کننده دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف پدر و مادر به عنوان سازمان دهندگان اصلی خانواده، فراهم آوردن زمینه مساعد و ارائه الگوی صحیح و منسجم برای تأمین نیازهای طبیعی کودک در عرصه خانواده است.

سید احمد هاشمیان

علاقه‌های کودک نشان داده نمی‌شد و از وی انتظار می‌رفت که مطیع خواست‌ها و فرمانهای پدر و مادر باشد و به آنچه آنها می‌پسندیدند، تن در دهد. تنها نقش عمده‌ای که برای کودک پیش‌بینی می‌شد، اطاعت و همراهی و همکاری یک طرفه با پدر و مادر بود، لذا بیشتر خانواده‌ها کودک را به گونه‌ای پرورش می‌دادند که یاور آنان باشد و انجام گوشه‌ای از امور داخلی و مشکلات آنان را بر عهده بگیرد.

در نقطه مقابل و در برابر این شیوه، گروههایی از جوامع بشری بر پایه روشن‌بینی و فراست، به مرور زمان نسبت به کودک و منزلت اجتماعی وی توجه بیشتر نشان دادند، تا جایی که او را به عنوان یک فرد که از همه احساسات و ادراکات و عواطف انسانی برخوردار است، پذیرفتند و بر باروری و شکوفایی استعدادها و

خانواده کوچکترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که با جامعه ارتباط تنگاتنگ و متقابل دارد و به علت همین ارتباط، اثر تغییرات و تحولات اجتماعی بیش از هر نهاد دیگری به خانواده منتقل می‌شود. همچنین تأثیرپذیری متقابل جامعه همیشه وجود دارد. در این طریق رویدادهای مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نیازهای گوناگون کودک و چگونگی تأمین آنها توسط خانواده، در روند سلامت روانی و رشد و تکامل جسمی و روحی کودک نقش تعیین‌کننده دارد. در گذشته نه چندان دور در خانواده‌ها توجه چندانی نسبت به نیازها و

صحیح و منجسم برای تأمین این نیازهای طبیعی در عرصه خانواده است. می توان گفت که قوام و دوام و سلامت خانواده به مثابه یک اندامواره ( ارگانیسم ) حیاتمند و پویا در حد وسیعی در گرو شکل گیری و انسجام همین الگوی ساختاری می باشد.

## ۲- نیازهای عاطفی :

کودک تا مدتها به دیگران وابستگی کامل دارد و به همین سبب به شدت نیازمند به امنیت عاطفی است که در ماههای اول زندگی، آغوش مادر به عنوان تنها پناهگاه وی، مطمئن ترین منبع تأمین این امنیت به شمار می رود.

کودک ضمن برقراری ارتباط غیرکلامی با مادر و به نسبت مراقبت و گرمی و محبتی که از او دریافت می دارد، احساس امنیت می کند. در حقیقت وی به همان اندازه که محتاج غذا و مراقبت های جسمی است، به این ارتباط عاطفی نیز نیاز دارد.

با افزایش سن، راههای ارتباط عاطفی با دیگران برای کودک گشوده می شود. پدر، خواهر، برادر، پدربزرگ، مادر بزرگ و تا حدی اطرافیان نزدیک دیگری که در درجات بعد قرار دارند، هر یک به سهم خود به رشد و تکامل عاطفی کودک کمک می کنند، به همین دلیل اگر در سالهای نخستین زندگی کودک، روابط عاطفی وی با دیگران ناخوشایند باشد و یا اصولاً چنین روابطی وجود نداشته باشد، بدون شک آثار و عوارض سوء آن بعدها به صورت نابهنجاریهای رفتاری بروز می کند که گاهی در تمام طول زندگی با وی همراه خواهد بود.

## ۳- نیازهای اجتماعی :

به طور کلی می توان گفت که تأمین رشد



توانایی های بالقوه وی و تأمین نیازهای اساسی اش تأکید کردند.

## نیازهای اساسی کودک

### ۱- نیازهای روانی :

این گونه نیازها مانند نیاز به امنیت، احترام، محبت، شادی و ارتباط عادی و متعادل اعضای خانواده با یکدیگر، تنها در سایه وجود ساختار متناسب و همگن این نهاد تأمین می گردد. به همین جهت یکی از مهم ترین وظایف پدر و مادر به عنوان سازمان دهندگان اصلی خانواده، فراهم آوردن زمینه مساعد و ارائه الگوی

معاشرت با دیگران را یاد می‌گیرد، و باز در این محیط است که الگوهای اخلاقی، رفتاری، اجتماعی، اعتقادی وی ترسیم می‌شود و کودک به تدریج آنها را درک و تقلید می‌کند.

#### ۴- نیازهای اخلاقی و مذهبی:

از دیگر نیازهای کودک که خانواده در تأمین آن نقش بسزایی دارد، نیازهای اخلاقی و مذهبی است. بدیهی است که هر خانواده‌ای قادر نیست به خوبی این نقش را ایفا کند. به سخن دیگر دامن هر مادری نمی‌تواند برای تربیت فرزندش بهترین آموزشگاه باشد. تربیت اخلاقی و مذهبی کودک نیازمند شرایطی است که باید در هر خانواده تحقق یابد.

نخستین و مهم‌ترین شرط آن است که محیط خانواده از آلودگی و گناه، منزه و پاک باشد و صفات ناپسند و نکوهیده‌ای همچون خیانت، نادرستی، دروغ و فساد در آن نفوذ نکرده باشد. در بعضی از خانواده‌ها، کودک جز با برخوردها و شیوه‌های فاسد و دور از اخلاق و ارزشهای انسانی اعضای خانواده روبرو نیست و در برابر چشمان حریص او که در جست‌وجوی یادگیری الگوهای رفتاری والدین و اطرافیان است، چیزی به غیز از سرمشق‌های بدآموزی و رفتارهای ضد اخلاقی خودنمایی نمی‌کند.

بدون شک الگوهای راستین خداپرستی و ایمان، تقوی و پرهیزگاری، عزت نفس و دیگر فضایل اخلاقی و ارزشهای انسانی و الهی، در درجه نخست باید توسط افراد خانواده ساخته و پرداخته شده، به کودکان ارائه گردد و کلام آخر اینکه مصونیت اطفال در برابر خطرهای انحرافات اخلاقی و عقیدتی در گرو صلاحیت و

اجتماعی کودک از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا چنانکه می‌دانیم انسان موجودی است اجتماعی و در حقیقت انسانیت انسان به همین جنبه اجتماعی حیات وی وابسته است. به عنوان مثال، زبان انسان، ادراکات انسان، قدرت تفکر انسان، نحوه بروز و کنترل عواطف توسط انسان، همگی تحت تأثیر حیات جمعی قرار دارند. همچنین جریانهای اجتماعی مانند: سازگاری، تفاهم، همکاری و همزیستی، ارکان اصلی حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر چنانکه گفته شد خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، نقش برتر و تعیین کننده‌ای در رفتار فرد بر عهده دارد و در واقع محیط خانه اولین و با دوام‌ترین عاملی است که رشد کودک را در ابعاد مختلف تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد و به همین سبب بررسی و تحلیل نحوه برخورد اعضای خانواده، به ویژه پدر و مادر با کودک، از جمله بحث‌های اساسی روان‌شناسی تربیتی به شمار می‌رود. در سالهای اخیر برخی از محققان کوشیده‌اند ارتباط مستقیم و معناداری بین رفتار کودکان از یک سو و نحوه برخورد والدین و اطرافیان با آنان از سوی دیگر تبیین نمایند. بطور کلی می‌توان گفت خانواده محیطی است که کودک در آن تجربیات گوناگون را کسب می‌کند. گاهی والدین آگاهانه چیزهایی را به کودک می‌آموزند، ولیکن غالباً کودک در موقعیت‌های متعدد از طرز رفتار و برخورد پدر و مادر نکاتی را می‌آموزد که خود آنها متوجه نیستند، اما در هر حال از طریق همین محیط کوچک خانواده است که کودک با دنیای خارج آشنا می‌شود و با کودکان و بزرگسالانی که به مناسبتی در خانواده رفت و آمد دارند، تماس پیدا می‌کند و رفته رفته آداب



شایستگی خانواده آنهاست .

در چنین خانواده‌ای والدین ضمن برقراری تفاهم و احترام متقابل نسبت به یکدیگر و با وجود تمایلات فردی و اختلاف سلیقه‌های موردی، در برخورد با کودک، شیوه مشترک و هماهنگی را در پیش می‌گیرند و در نتیجه وی احساس می‌کند که رابطه پدر و مادر با هم و با او، صمیمی، منسجم و پایدار است و همین امر موجب امنیت خاطر و نشاط روانی وی می‌گردد.

در خانواده‌های عادی، والدین به نیازهای دوران کودکی توجه دارند، به همین سبب ضمن برقراری نوعی شیوه نظم و انضباط سنجیده در خانواده و اعمال پاره‌ای محدودیت‌های ضروری در رفتار کودکان، نیازهای ایشان را نیز ارضاء می‌کنند و مآلاً زمینه لازم را برای رشد روانی و رفتاری کودکان فراهم می‌سازند.

شناخت آگاهانه والدین از کودک:

شک نیست که خانواده اولین پایگاه پرورش و تربیت فرد به شمار می‌رود و بنیادهای

تأمین سلامت روانی (بهداشت روانی) کودک :  
 اعمال شیوه‌های تربیتی در خانواده، نحوه رفتار والدین با کودک، به‌ویژه در سالهای اولیه زندگی و نقشی که محیط خانواده در شکوفایی استعدادها و توانایی‌های جسمی و روانی کودک دارد و سرانجام دقت نظر نسبت به عوامل گوناگونی که در رشد بدنی، ذهنی، عاطفی، بدنی و اخلاقی کودک نقش دارند، جملگی بیانگر اهمیت نقشی است که این عوامل در تأمین سلامت روانی کودک یا پدیدآیی مشکلات و نابهنجاریهای روانی وی ایفاء می‌کنند.

بدیهی است که تأمین بهداشت روانی کودک را تنها در خانواده‌های عادی می‌توان انتظار داشت، یعنی خانواده‌ای که پدر و مادر هر دو از الگوهای سلامت روانی برخوردار و به‌خوبی قادر باشند نقش مشترک خود را در این زمینه ایفاء نمایند.

همه تحولات و دگرگونیهای عصر فن آوری، به همان شیوه‌های سنتی منسوخ، از فرزندان می‌خواهند که کار و حرفه پدری را در پیش گیرند و اصرار دارند که آنها را مانند خود بار آورند، بدون آنکه کمترین توجهی به رغبت، استعداد و آمادگی آنان داشته باشند.

چه بسیارند فرزندان که دارای استعدادی غیر از استعداد پدران و مادرانشان هستند و احیاناً توانایی انجام دادن کارهای به خصوصی را که آنها می‌دانند و می‌خواهند، ندارند و در نتیجه در آن کارها دچار شکست و ناکامی می‌شوند. لیکن تنها ناکامی در کاری ویژه، دلیل بر ناکامی در کاری دیگر نیست و چه بسا افراد شکست خورده در یک کار، در کار دیگر تا حد نبوغ از خود توانایی و شایستگی نشان داده‌اند. در مورد نکته دوم، که تمایل پدر و مادر به جبران کمبودها و ناکامیهای گذشته است، باید گفت که تحقق این آمال به وسیله فرزندان، تنها در صورتی مفید و مطلوب است که انجام دادن آنها باز هم درخور استعداد و رغبت و توانایی آنان و همراه با آینده‌نگری و مصلحت‌اندیشی بوده باشد.

توصیه‌ها:

در پایان گفتار و در جهت نتیجه‌گیری از این بحث، توجه پدران و مادران را به توصیه‌های زیر جلب می‌کند:

- ۱- با کودکان رابطه‌ای متعادل، منطقی و توأم با صمیمیت و تفاهم برقرار کنید.
- ۲- از ایجاد زمینه هرگونه کشمکش، تعارض و تنش در محیط خانواده جلوگیری کنید.
- ۳- با افشاندن عطر محبت، فضای خانواده را معطر و ذائقه روح کودکان را شیرین کنید.

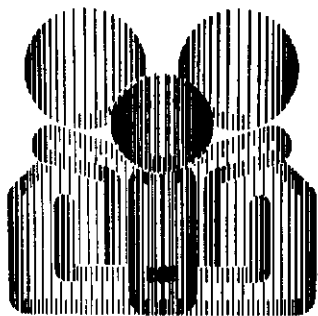
اخلاقی و اجتماعی وی در این کانون و براساس روابط متقابلی که بین او از یک طرف و پدر و مادر از سوی دیگر برقرار است، پی‌ریزی می‌شود. بدیهی است که هر چه پدر و مادر فرزند خود را بهتر بشناسند و از خصوصیات بدنی، روانی، عاطفی و اخلاقی او آگاهی بیشتر داشته باشند، به همان نسبت در برقراری ارتباط متعادل‌تر، منطقی‌تر و صمیمی‌تر با او موفق‌تر خواهند بود.

کمتر پدر و مادری را می‌توان یافت که درباره آینده فرزندان آرزوهایی در سر نپرورانند. نصیحت به فرزند در ادبیات ما آثار گرانبهایی به وجود آورده است. لیکن پدران و مادران با همه دوستی و خیراندیشی خود، همچون دیگر مریبان، همیشه در تشخیص عواطف، رغبتها، استعدادها، انگیزه‌ها، تواناییها و نارساییهای فرزندان مصون از لغزش نیستند و چه بسا که ندانسته خواست‌های برآورده نشده خود را در تربیت فرزندان بر آنها تحمیل می‌کنند، و این تربیت تحمیلی پدر و مادر غالباً نابسامانی‌های فراوانی برای فرزندان در پی خواهد داشت.

انگیزه روانی این نحوه تربیت را، که بعدها آثار آن در قالب کشمکشها و تعارضات و درگیریهای گوناگون جوانان با پدران و مادران و دیگران جلوه‌گر می‌شود، در دو چیز می‌توان جست و جو کرد:

- ۱- تمایل پدر و مادر به حفظ نام و تثبیت و تحکیم شئون حرفه‌ای و اجتماعی خود.
  - ۲- تمایل آنها به جبران کمبودها و نارساییها و تحقق آرزوهای بر باد رفته و هوسهای سرکوفته شده گذشته آنان، به وسیله فرزندان.
- هنوز هستند افرادی که بدون در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات این زمان و با چشم‌پوشی از

کودکان را با فضاهای معنوی و عبادی مانوس کنید و با سخنان ساده و دلنشین القبای ایمان و خداپرستی را به آنها بیاموزید.



- ۴- هیچ‌گاه در حضور کودکان به مجادله، پرخاشگری و هتاکی نپردازید.
- ۵- هرگز لب به سخن دروغ، ولو دروغهای کوچک و بی‌اهمیت نگشایید.
- ۶- به وعده‌هایی که به کودکان می‌دهید عمل کنید و از این راه وفای به عهد را به آنان بیاموزید.
- ۷- از هرگونه طعنه زدن و گوشه و کنایه زدن به کودکان خودداری کنید.
- ۸- از اعمال نظم و انضباط خشک و بی‌روح در مورد کودکان پرهیز کنید.
- ۹- در فرصت‌های مقتضی، گاه و بیگاه،

#### منابع و مأخذ:

- ۱- احمدی، علی اصغر و همکاران، روان‌شناسی تربیتی، تهران، سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- تقی‌پور، ظهیرعلی، دانستیهای نوین در آموزش و پرورش، تبریز، انتشارات کتابفروشی تهران، ۱۳۴۲.
- ۳- جان وی و دیگران، تغییر رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه دکتر یوسف کریمی، تهران، انتشارات فاطمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۴- جلالی مهدی، روان‌شناسی کودک، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۵- سیف، سوسن، تئوری رشد خانواده، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۶۸.
- ۶- شعاری‌نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، چاپ چهارم، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۴۹.
- ۷- قائمی علی، پرورش مذهبی کودک، قم، انتشارات رشاد، ۱۳۵۸.
- ۸- هاشمیان، سید احمد، تاجیک اسماعیلی، عزیرالله، بهداشت روانی کودک، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۷.
- ۹- ماهنامه آموزش و پرورش، شماره پنجم، دوره چهارم و چهارم، بهمن ۱۳۵۳.
- ۱۰- ماهنامه آموزش و پرورش، شماره چهارم، دوره چهارم و پنجم، دی‌ماه ۱۳۵۴.
- ۱۱- مجله پیوند، مجموعه شماره‌های ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، تابستان ۱۳۷۰.
- ۱۲- خلاصه مقالات، دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش، ابتدای پاییز ۱۳۷۰.